

بررسی و تبیین مسئله ربا در حقوق اسلامی

لیلا تقی زاده^۱، نوشین نرمایون^۲

^۱کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، وکیل پایه یک دادگستری ارومیه
^۲کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، وکیل پایه یک دادگستری ارومیه

نویسنده مسئول:
نوشین نرمایون

چکیده

هدف این مقاله بررسی و تبیین مسئله ربا در حقوق اسلامی و فلسفه حرمت آن به همراه بررسی جایگاه و نحوه برخورد با این پدیده مهملک اجتماعی در حقوق موضوعه ایران می‌باشد. به همین منظور ضمن تعریف و معرفی انواع ربا، به بررسی جبهه‌های مختلف لغوی و اصطلاحی ربا پرداخته شده است. همچنین موضوع ربا از دیدگاه اسلام و قرآن، سنت رسول اکرم (ص)، اجماع نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه نیز جایگاه ربا در حقوق موضوعه ایران، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ارکان ربا و همچنین قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون مجازات اسلامی و کفر نیز بررسی شده است. البته روند بحث از مطالب تا حدی که در وسع مقاله است محل بحث قرار گرفته حال آنکه اطالة بحث خود محتاج کتابی مفصل است.

کلمات کلیدی: ربا، اسلام، قوانین موضوعه، حرمت، قرآن، سنت، اجماع فقهاء.

مقدمه

در میان مباحث اقتصاد اسلامی، ربا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا از یک طرف یکی از عمدۀ ترین وجوه فارق بین اقتصاد اسلامی و سرمایه داری است و از طرفی دیگر وجود و عدم آن می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در سیاستهای اقتصادی داشته باشد تا جائی که اکثریت اقتصاددانان سرمایه داری از آن به عنوان عامل تخصیص دهنده منابع و تعادل اقتصادی نام می‌برند. ربا اعم از آنکه داده یا گرفته شود بعلاوه بر حرمت شرعی دارای آثار سوئی بر روابط اقتصادی و تجاری است و باعث ایجاد اخلال در روابط مالی افراد یک جامعه سالم می‌گردد، بدین ترتیب ضروری است جهت سالم سازی فضای اقتصادی جامعه اخذ یا پرداخت هر گونه ربا یا انجام معاملات ربوی ممنوع باشد. بر مبنای همین رویکرد، مقتن در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی در مقام جرم انگاری ربا و معاملات ربوی برآمده و مقرر داشته: «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون عامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتكبین اعم از ربادهنه، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضریبه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردد.

تبصره ۱ - در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا از مصاديق اموال مجھول المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲ - هرگاه ثابت شود ربادهنه در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد.

تبصره ۳ - هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که ربا حسب قوانین کیفری ایران علاوه بر ممنوعیت شرعی دارای وصف جزای نیز می‌باشد که ذیلاً به بررسی آن پرداخته می‌شود.

مفهوم ربا: «ربا» یک کلمه عربی است که در زبان فارسی هم رایج است و در هر دو زبان به یک معنا و مفهوم استعمال می‌شود و معنای اصطلاحی آن از دیدگاه‌های علوم مختلف با تعبیر گوناگونی بکار برده می‌شود.

برای درک مفهوم ربا ابتدا معنای لغوی و سپس تعریف اصطلاحی (فقهی، قانونی، حقوقی) را مورد بررسی قرار می‌دهیم (ساکی، ۱۳۹۲).

تعريف ربا

تعريف لغوی ربا: ریشه لغت ربا در زبان عربی از «ربا بربوریوا» گرفته شده و معنی آن در اغلب کتب عربی به معنی «زیادت و نمو» معنی شده است.

أَرَبَى إِرْبَاءً : يعني بیش از آنچه داد گرفته و أَرَبَى الشَّيْءَ : يعني آن چیز را افزون کرد. مرحوم علی اکبر دهخدا در کتاب لغت نامه دهخدا(دهخدا، ۱۳۶۸) در این مورد می‌گوید:

رُبَا: به ضم را مخفف ر拜ینده در ترکیباتی نظیر آهن ربا، دلربا و ...

ربا: به کسر را به معنی افزون شدن به نشو و نما
رباء: به کسر را و همزه آخر به معنی نشو و نما کردن و افزون شدن مال از راه ربا
ربا خوار: سودخوار، پاره خوار، فرونی خوار، خورنده، سود مرابحه و پول.

تعريف فقهی ربا: در متون قدیمی فقهی اسلامی ربا، "ارزش باقیمانده بدون قرینه" تعریف شده است. وقتی برای اولین بار پول فلزی در جهان اسلام رواج یافت، پرداخت بدھی با میزان بیشتری از این پول بدون پشتونه، ربا محسوب نمی‌شد. این نظر فقهی بیشتر ناظر به ارزش واقعی پول (که با وزنش مشخص می‌شد) بود، تا ارزش نامی آن. مثلاً یک وام ۱۰۰۰ دینار طلا با ۱۰۵۰ دینار با همان وزن پرداخت می‌شد. وزن سکه‌ها یکسان نبود، بنابر این ارزش واقعی یکسانی داشتند.

مستندات ربا: در شریعت اسلام می‌توان دلایلی را بر حرمت و ممنوعیت عمل ربا برشمرد. در واقع باید گفت که ادله چهارگانه فقه اسلامی بر حرمت ربا تاکید کرده‌اند. اصلی ترین دلایل قرآن است چنانکه خداوند متعال در سوره بقره به صراحت مبادرت به ربا را به منزله‌ی اعلان جنگ با خدا و رسول(ص) اعلام کرده است. پس از قرآن، روایات متعددی را نیز می‌توان یافت که بر حرمت این عمل تاکید داشته‌اند. عقل نیز که به عنوان دلیل دیگر شرعی قطعاً ربا را ناپسند و غیرمنطقی می‌داند، میزانی خواهد بود که براساس آن نیز ربا امری حرام محسوب می‌شود زیرا مبادرت بدان سبب بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی بسیاری شده و بی‌عدالتی‌های

فراوانی را هم به دنبال خواهد داشت. فقیهان برای حرمت ربا به آیات قرآن و روایات فراوانی تمسک می‌جوینند. در قرآن کریم، سه آیه بر حرمت ربا دلالت دارد که به این شرح اند:

الف. آیات

۱- فَبِطْلُمِ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمَنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَتْ أَحْلَتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا * وَأَخْذَهُمْ الرِّبُوْ وَقَدْ نَهَوْا عَنْهُ وَأَكْلَهُمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ وَأَعْنَدُنَا لِلْكُفَّارِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^۱. پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آن که (مردم را) بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود، حرام گردانیدیم، و (به سبب) ربا گرفتنشان - با آن که از آن نهی شده بودند - و به ناروا مال مردم خوردنشان، و ما برای کافران آنان، عذابی دردنگ آماده کرده ایم.

۲- يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبُوْ أَضْعَفُمَا مَضْعَفَةً وَأَنْقُوا اللَّهَ لَعْنَكُمْ تُفْلِحُونَ^۲. ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را (با سود) چندین برابر مخورید، و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید.

۳- الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبُوْ لَا يَقُولُونَ إِلَّا كَمَا يَقُولُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَنُ مِنَ الْمَسِّ ذِلِّكَ بِإِنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبُوْ وَأَخْلَلَ اللَّهُ الْبَيْعَ وَخَرَمَ الرِّبُوْ فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِلَيْهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَالُكُوْتُ وَأَمْرُهُوْ إِلَيْهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ التَّارِهِمْ فِيهَا خَلَدُونَ * يَمْحُقُ اللَّهُ الرِّبُوْ وَيَرْبِي الصَّدَقَتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارَ أُثِيمَ * إِنَّ الَّذِينَ ءامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَوْهَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزُنُونَ * يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا أَنْقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقَىَ مِنَ الرِّبُوْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ * إِنَّمَا تَفْعَلُو فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِوْلَئِكُمْ رَءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَتَطْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ^۳. کسانی که ربا می‌خورند، (از گور) بر نمی‌خیزند، مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این، بدان سبب است که آنان گفتند: «دادوستد، صرفاً مانند ریاست»، حال آن که خدا، دادوستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدرو سید و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست و کارش به خدا واگذار می‌شود، و کسانی که (به رباخواری) باز گردند، آنان، اهل آتش اند و در آن، ماندگار خواهند بود.

خدا از (برکت) ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید، و خداوند، هیچ ناسپاس گهکاری را دوست نمی‌دارد. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز برپا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان، نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید، و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است، واگذارید و اگر چنین (نکردید)، به جنگ با خدا و فرستاده وی برخاسته اید، و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.

ب. روایات

روایات فراوانی بر حرمت ربا دلالت دارند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱- در وسائل الشیعه آمده است:

بلغ أبا عبدالله(عليه السلام) عن رجل أنه كان يأكل الربا و يسميه اللباء، فقال: لعن أمكنتى الله منه لأضرbin عنقه^۴. به امام صادق(عليه السلام) خبر رسید که مردی رباخواری می‌کند و آن را «آغوز» می‌نامد. فرمود: «اگر خداوند، او را در اختیارم بگذارد، گردنش را خواهم زد».

۲- پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) در سفارشی به علی(عليه السلام) می‌فرماید: يا علی! الرباء سبعون جزء فأیسرها مثل أن ینکح الرجل أمه في بيت الله الحرام^۵. ای علی! ربا، هفتاد کیفر دارد که آسان ترین آن، مانند آن است که مرد با مادرش در خانه خدا زنا کند.

۳- امام صادق(عليه السلام) فرموده است:

الربا سبعون بایاً أهونها عند الله كالذى ينكح أمه^۶. ربا، هفتاد کیفر دارد و آسان ترین آن نزد خداوند، مانند کسی است که با مادرش زنا کند.

^۱- نساء، آیه ۱۶۰ - ۱۶۱.

^۲- آل عمران، آیه ۱۳۰.

^۳- بقره، آیه ۲۷۵ - ۲۷۹.

^۴- وسائل الشیعه، ج ۱، آیه ۱۲۵ (ح ۱).

^۵- وسائل الشیعه ، ص ۱۲۱ - ۱۲۲ (ح ۱۲).

^۶- وسائل الشیعه ، ص ۱۲۳ (ح ۱۸).

۴- امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

در همواره دهن رباءً عظيم من عشرين زينيه كلها بذات محرم.^۷ يك درهم رباء، بدتر است از بيست مرتبه زنا با محارم.

۵- امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

در هم رباء أشد عند الله من ثلاثين زينيه كلها بذات محرم مثل عممه و خاله.^۸ يك درهم رباء، نزد خداوند، بدتر از سی مرتبه زنا با محارم، مانند عممه و خاله است.

۶- امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

در هم رباء عند الله أشد من سبعين زينيه كلها بذات محرم.^۹ يك درهم رباء، نزد خداوند، از هفتاد مرتبه زنا با محارم بدتر است.

۷- امام صادق(علیه السلام) فرموده است:

در هم رباء أعظم عند الله من سبعين زينيه كلها بذات محرم في بيت الله الحرام.^{۱۰} يك درهم رباء، از هفتاد مرتبه زنا با محارم در خانه خدا بدتر است.

۸- پیامبر خدا فرمود:

شر المکاسب، کسب الربا.^{۱۱} بدترین دادوستدها، دادوستد آمیخته به ریاست.

۹- امام باقر(علیه السلام) فرمود:

أخبت المکاسب، کسب الربا.^{۱۲} زشت ترین دادوستدها، دادوستد آمیخته به ریاست.

۱۰- پیامبر خدا فرمود:

ومنْ أكل الربا ملأ الله بطنه من نار جهنّم بقدر ما أكل، وإن اكتسب (منه) مالا لم يقبل الله منه شيئاً من عمله ولم يزل في لعنة الله والملائكة ما كان عنه قيراط.^{۱۳} هر کس ربا بخورد، خداوند، شکمش را از آتش جهنّم به اندازه رباخواری پُر می سازد، و اگر از ربا درآمدی به دست آورده، خداوند، عملش را نمی پذیرد و تا زمانی که اندکی از مال ربا نزد او باشد، همواره در نفرین خدا و فرشتگان الهی خواهد بود.

۱۱- امام صادق(علیه السلام) فرمود:

إذا أراد الله بقوم هلاكاً ظهر فيهم الربا.^{۱۴} هرگاه خداوند، نابودی گروهی را اراده کند، رباخواری در میان آنان آشکار می شود.

ج- ربا از دیدگاه اجماع

از جمله منابع احکام، اجماع است. اغلب فقهاء اجماع را از جمله ادله حرمت ربا شمرده اند. شیخ محمد طوسی می گوید که علماء اجماع دارند بر اینکه ربا از گناهان کبیره است.(موسایی، ۱۳۷۶)

شهید ثانی در کتاب دروس، علاوه بر نص، دلیل حرمت ربا را اجماع می داند. در تحریرالوسیله امام خمینی(س) آمده است: «حرمت ربا به کتاب و سنت و اجماع مسلمین ثابت شده است. بلکه بعيد نیست از ضروریات دین باشد» صاحب جواهرالکلام و محقق اردبیلی، اجماع را از دلایل حرمت ربا در اسلام می دانند.

در تفسیر القرطبی آمده که حرمت ربا اجتماعی است: «هذا كله محرم باتفاق الامة»(محمد بن احمد الانصاری القرطبی) در نتیجه، از نظر ادیان آسمانی و اسلام، گرفتن و دادن ربا حرام است؛ اسلام، رباخوار را مهدورالدم و مفسد فی الارض دانسته و رباخواری را از بزرگترین گناهان یعنی همتای شرک و دشمنی با خدا شمرده است؛ بنابراین، به هر نحوی باید مقابل آن گرفته شود.

^۷- وسائل الشيعة ، ص ۱۱۹ (ح۶).

^۸- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۷۴.

^۹- وسائل الشيعة، ج ۱۸، ص ۱۲۳ (ح ۱۹).

^{۱۰}- وسائل الشيعة، ج ۱۸، ص ۱۲۲ (ح ۱۳).

^{۱۱}- وسائل الشيعة ، ص ۱۱۸ (ح ۲).

^{۱۲}- وسائل الشيعة ، ص ۱۲۲ (ح ۱۵).

^{۱۳}- وسائل الشيعة ، ص ۱۲۳ (ح ۱۷).

أنواع ربا در فقه الإسلامي

ربای معاملی: در سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نوع خاصی از ربا تحریم شده است که ربای معاملی نام دارد. این نوع ربا در گذشته که مبادلات پایاپایی رواج داشت، بیشتر تحقیق داشت. لذا بخش مهمی از مباحث ربا در کتاب‌های فقهی، به ربای معاملی اختصاص دارد. به تدریج، بر نقش پول در معاملات افزوده گشت و از حجم مبادلات پایاپایی کاسته شد، لیکن این نوع مبادلات افزوده گشت و از حجم مبادلات پایاپایی کاسته شد، لیکن این نوع مبادلات هنوز در بعضی روستاهای نیز بین کشورهای وجود دارد. برای همین، آشنایی با محدود و ملاک ربا معاملی خالی از فایده نیست. گذشته از این، آگاهی از مباحث ربای معاملی می‌تواند ما را در فهم هرچه بیشتر مسائل ربای قرضی یاری نماید.

تعريف ربای معاملی: هرگونه زیادی در معامله دو شیء همجنسم و یا معامله‌ای که مشتمل بر زیادی یکی از عوضین باشد، با فرض تحقق شرایط خاص، ربای معاملی نامیده می‌شود (یزدی، ۱۴۱۷).

این تعريف از جهتی از تعاريف دیگر کامل‌تر است؛ زیرا چه بگوییم: ربا حرام، مطلق زیادی است، یا این که بگوییم: ربای حرام معامله مشتمل بر زیادی است، هر دو در بر می‌گیرد. بعضی ربای حرام را تنها معامله مشتمل بر زیادی می‌دانند (نجفی، ۱۳۷۴). به طور خلاصه، ربای معاملی ربای است که در ضمن یک معامله تحقیق می‌باید، برخلاف ربای قرضی در ضمن عقد قرض به وجود می‌آید.

ربای قرضی: ربای قرضی، چه در زمان‌های گذشته و چه در عصر حاضر، رایج‌ترین نوع ربایی است که در جوامع مختلف وجود داشته است؛ به این صورت که فرد برای تامین نیاز مالی، جهت امور مصروفی یا سرمایه گذاری و تقاضای قرض می‌کند و در ضمن عقد قرض، متعهد می‌شود آنچه را می‌گیرد همراه با زیادی برگرداند. در حقیقت، ربای قرضی در نوع خاصی از عقد قرض تحقق می‌باید که در آن، شرط زیادی شده است (حلی، ۱۳۶۷).

ارکان تشکیل دهنده جرم ربا

اما اکثر حقوقدانان برای آنکه رفتار انسان جرم تلقی شود وجود سه عنصر را لازم دانسته‌اند. در واقع در کنار عناصر تشکیل دهنده ای خاص هر یک از جرایم که بر حسب نوع جرایم تغییر می‌کنند (عناصر اختصاصی) به طور کلی، هر جرمی برای واقع شدن، نیازمند به سه رکن اساسی مشترک می‌باشد (عناصر عمومی) که اختصاص به هریک از آنها ندارند و در بین همه جرائم مشترک می‌باشد. بنابراین برای آن که از سوی شخصی انجام می‌شود به عنوان جرم قابل مجازات باشد جمع آمدن عناصری چند ضرورت دارد. بنابراین، به لحاظ حقوقی، برای آنکه فعلی انسانی جرم به شمار آید باید: نخست، قانونگذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی)، دوم، عمل یا ترک عمل مشخص به منصه ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی)، سوم، با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی) (اردبیلی، ۱۳۸۲).

در سیستم جزائی ایران نیز هر جرم از سه عنصر قانونی، مادی و روانی تشکیل یافته است و برای تحقق جرم باید این سه عنصر در کنار هم جمع شوند در غیر این صورت جرمی محقق نشده است. جرم ربا نیز مانند هر جرم دیگر دارای سه رکن قانونی و مادی و معنوی «روانی» می‌باشد که در این قسمت به بیان آنها که ارکان تشکیل دهنده جرم ربا می‌باشند در سه قسمت می‌پردازم.

الف) رکن قانونی جرم ربا

اولین رکن از ارکان تشکیل دهنده جرم ربا رکن قانونی است. فعل یا ترک فعل انسانی هر اندازه زشت و نکوهیده و برای نظام اجتماعی زیان‌بخش باشد تا زمانی که حکمی بر آن وارد نشده و یا در قانون پیش‌بینی نشده باشد قابل مجازات نیست. به بیان دیگر مadam که قانونگذار فعل یا ترک فعلی را جرم نشناسد و کیفری برای آن تعیین نکند افعال انسان مباح است. بنابراین، تحقق جرم و صدور حکم مجازات منوط به نصّ صریح قانون است و چون بدون وجود قانون جرم محقق نمی‌شود گزارف نیست که گفته شود رکن لازم جرم است.^{۲۳} در نتیجه باید بیان داشت که عنصر قانونی جرم با تدوین قانون از ناحیه قانونگذار زایدیه می‌شود و ریشه عنصر قانونی در اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست (نوربه، ۱۳۸۷).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۹ به صراحت درمورد ربا مقرر می‌دارد: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا غصب، رشوه، اختلاس، سرفت، قمار، سود استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحثات اصلی، دائر کردن اماكن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجراء شود».

در ماده ۱ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳/۶/۲۵ ربا این گونه بیان شده:

ربا بر دو نوع است:

الف - ربای قرضی و آن بهره‌ای است که طبق شرط یا بنا و روای مقرض از مقترض دریافت نماید.

ب - ربای معاملی و آن "زیاده"‌ای است که یکی از طرفین معامله زائد بر عوض یا معوض از طرف دیگر دریافت کند به شرطی که عوضین مکیل یاموزون و عرقاً یا شرعاً از جنس واحد باشد(ساکی، ۱۳۹۰).

ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی ربا را جرم و برای آن مجازات در نظر گرفته است: مرتكبین اعم از ربا دهنده، ربا گیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردد.

این ماده مقرر می‌دارد: «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتكبین اعم از ربادهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردد.

منظور از «جزای نقدی معادل مال مورد ربا» در ماده ۵۹۵ ق.م.ا معادل میزان اضافی دریافتی است نه معادل کلی مالی که در معامله ربوی رد و بدل شده است، زیرا آنچه که بر آن «ربا» اطلاق می‌گردد زیادتی است که یکی از طرفین معامله ربوی به دیگری پرداخت می‌کند نه کل مالی که در معامله ربوی میان طرفین رد و بدل می‌شود (ساکی، ۱۳۹۰).

جرائم ربا با توجه به ماده ۷۲۷ از جرایم غیر قابل گذشت می‌باشد و برای پیگیری آن نیازی به شکایت شاکی نیست و به محض اطلاع مراجع قضایی و انتظامی قابل پیگیری و تعقیب می‌باشد.

ب) رکن مادی

برای اینکه جرمی وجود خارجی پیدا کند، پیدایش یک عنصر مادی ضرورت دارد، زیرا که ابزار فکر برای ارتکاب جرم کافی نیست و اگر سیاست جنایی کشور به صرف قصد ارتکاب جرم، اشخاص را مجرم بداند موجب این خواهد شد که در اعمق وجдан اشخاص تجسسات غیرقابل اغماض به عمل آید و غالباً اشخاص بدون آنکه برای جامعه خطرناک باشند، مجازات شوند (علی آبادی، ۱۳۷۳). به عبارت دیگر، مجرم باید مبادرت به انجام فعل یا ترک فعلی کند که ملموس، محسوس و عینی بوده و در قانون عنوان مجرمانه داشته باشد و برای آن مجازات تعیین شده باشد. پس کافی نیست که رفتار مجرمانه تنها توسط قانون نهی شود، بلکه وجود یک تظاهر خارجی عملی ناشی از قصد مجرمانه یا خطای جزایی توسط فاعل که جرم به وسیله آن آشکار می‌شود برای تحقق فعل مجرمانه و مجازات فاعل، شریک یا معاون لازم است.

اندیشه مجرمانه به تنها یعنی جرم نیست و هر کس میتواند صاحب عقیده خاص خود باشد و هنگامی این اندیشه و عقیده با شرایط مقرر در قانون و با فرض سوءنیت یا خطا قابل مجازات خواهد بود که هیبتی خارجی و مادی پیدا کند. در نتیجه هر جرمی الزاماً دارای یک عنصر مادی است. از این الزام میتوان نتیجه گرفت که تحقق جرم موکول به بروز عوارض بیرونی اراده ارتکاب جرم است. تا وقتی مظہر خارجی اراده به صورتی که صورتی مانند فعل یا ترک فعل تحقق نیافته، جرم واقع نمی‌شود. بنابراین صرف داشتن عقیده، اندیشه و قصد ارتکاب جرم بدون انجام هیچگونه عمل مادی قابل تعقیب و مجازات نمی‌باشد (گلدویان، ۱۳۸۰).

ج) رکن معنوی

موضوع رکن معنوی در حقوق جزا از جمله مسائلی است که در کتب حقوقی غالب جوامع امروزی مورد بررسی قرار گرفته است و از دیرباز نیز مورد توجه مکاتب حقوقی بوده است. در این زمینه مکتب نئوکلاسیک که اساس مجازات را بر مختاریت و آزادی انسان استوار می‌کند و مکتب تحقیق که جرم را از لحاظ خطرناکی فاعل آن قابل تعقیب میداند عنصر معنوی را یکی از عناصر ضروری جرم دانسته‌اند که بدون آن جرم تحقق پیدا نمی‌کند(علی آبادی، ۱۳۷۳).

به اعتقاد اکثر حقوقدانان وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم شناخته است به تنها یعنی برای احرار مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست. بزهکار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد و یا در اجرای عمل به نحوی از انجاء و بدون آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند خطا ای انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی (در صورت وجود این مسئولیت) شناخت. قصد را معمولاً به اراده متمایل به یک هدف مشخص تعریف می‌کنند، به عبارت دیگر، اراده هدایت شده به سوی هدف معینی را قصد می‌گویند(نوبهار، ۱۳۸۷). بنابراین برای تحقق جرم لازم است میان عملی که قانوناً قابل مجازات است و شخص عامل، رابطه روانی و نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتكب را مقصراً دانست. با توجه به مطالب مذکور رکن معنوی جرم را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-سوء نیت عام یا همان قصد فعل می باشد که مرتكب قصد، ربا دادن را دارد.

۲-سوء نیت خاص یا عمد در فعل که مرتكب با علم و آگاهی از ربا بودن و علم به حرمت ربا و جرم بودن آن قصد استیفاء نامشروع نسبت به ربا دهنده را دارد.

بدین ترتیب این جرم به مانند سایر جرائم دارای سوء نیت عام و خاص است . سوء نیت عام در جرم ربا همان قصد حصول توافق جهت انجام معامله و قرارداد بین شخص ربا دهنده و ربا گیرنده است و سوء نیت خاص تحصیل منفعت با شرط اضافه با همان جنس مکمل و موزون و یا دریافت کردن مبلغی زائد بر مبلغ پرداختی در قرض و وام وغیره است . در واقع بین عمل واقع شده می باشد رابطه علیت موجود باشد که همانا تحصیل مال یا نفعی است که مورد توافق قرار گرفته است(شامبیاتی، ۱۳۸۷).

موارد استثنایی که ربا صدق می کند ولی حرام نیست:

۱-ربای بین زن و شوهر

۲-ربای بین پدر و فرزند

۳-ربای بین مسلمان و کافر نکته قابل بحث این است که مفتن کلمه «کافر» را بدون تاکید بر این که «کافر حربی» باشد در تبصره ماده ۵۹۵ به کار برده و چنین برداشت می شود که اصولاً بهره گرفتن اضافی برای مسلمان جایز است ولی بین مسلمان و کافر ذمی ربا است.

علل موجهه جرم

با عنایت به مفاد تبصره ۲ و ۳ ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی که بیانگر اعمال علل موجهه جرم در بزه ربا می باشد، می توان این علل را عبارت از : ۱- اجازه یا حکم قانون و ۲- اضطرار دانست.

اجازه یا حکم قانون:

به موجب تبصره ۳ ماده مورد بحث، ربا (اعم از قرضی یا معامله) چنانچه بین پدر و فرزند یا زن و شوهر یا کافر و مسلمان منعقد شده باشد از شمول مقررات این ماده خارج است؛ که بدین واسطه با عنایت به عدم شمول سایر قوانین جزایی بر ارتکاب چنین عمل، باید عنوان داشت که مفتن با تبصره مذکور اجازه انجام معاملات ربوی را به اشخاص مذکور در تبصره ۳ این ماده داده است و به حکم قانون که یکی از علل موجهه جرم محسو می گردد. عمل ارتکابی فاقد وصف مجرمانه تلقی می گردد.(مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۱).

اضطرار:

اگر چه مفتن در تبصره ۲ ماده مرقوم تنها ریاده شده را در مقام اضطرار معاف از تعقیب و مجازات شناخته، لیکن باید توجه داشت که چنانچه شرایط مشکله اضطرار در رباگیرنده نیز جمع باشد می توان با توجه به مقررات ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی عمل رباگیرنده را نیز فاقد وصف جزایی دانست.

شرایط تحقق اضطرار در جرم ربا:

در بزه ربا اضطرار در صورتی محقق خواهد شد که:

اولاً: خطر شدیدی موجود باشد، یعنی جان یا سلامتی ریاده شده یا یکی از افراد تحت تکلفش یا اموال و دارایی شان در معرض خطر و نابودی قرار گرفته باشد.

ثانیاً: ریاده شده عمداً مبادرت به ایجاد چنین وضعیتی نکرده باشد.

ثالثاً: توصل به عملیات ربوی تنها راه حل ممکن باشد.

رابعاً: ریاده شده به مقدار ضرورت اکتفاء کند یعنی به میزانی که بتواند از مهلکه و وضعیت غیر قابل تحمل نجات^۴.

کیفر رباخوار

کیفر دنیایی رباخوار: مجازات هایی برای رباخوار و جامعه ربازده بر شمرده اند. بعضی از این گونه عذابها به طور مستقیم از سوی خداوند و به صورت بلاهای طبیعی است. برخی دیگر نیز از سوی جامعه اسلامی و حاکم مسلمانان برای رباخوار در نظر گرفته شده است و حاکم اسلامی وظیفه دارد که آنها را اجرا کند.

۱- فاسق بودن رباخوار

مشهور میان فقیهان این است که اگر رباخوار توبه نکند و به رباخواری ادامه دهد، فاسق استولی برخی معتقدند باید با او همانند مرتد رفتار شود؛ یعنی اگر مرتد فطری بوده باشد، حکومت اسلامی وی را به قتل می‌رساند و اگر مرتد ملی باشد، وی را توبه می‌دهند و اگر نپذیرفت، او را به قتل می‌رسانند برخی نیز معتقدند تا سه بار او را توبه می‌دهند و در مرتبه سوم او را به قتل می‌رسانند^(حلی، ۱۴۰۶).

۲- اثبات کفر برای رباخوار

برخی از عالمان اسلامی معتقدند که کسی که از روی علم و به عمد رباخواری می‌کند، کافر است. فخر رازی می‌نویسد: دلیل قاطعی برای اثبات این مدعای است که خلود در جهنم ویژه کافران است و آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره، اثبات می‌کند که رباخوار نیز جزو اصحاب النار است و همواره در جهنم می‌ماند.^{۱۴}

قرطبی مفسر بزرگ اهل سنت در توضیح آیه ۱۳۰ آل عمران تأکید می‌کند که رباخواری سبب از میان رفتان ایمان است و سلب ایمان به کفر می‌انجامد. وی همچنین ربا را از میان برزنه کردار صالح می‌داند.^{۱۵}

۳- در آتش سوختن رباخوار و سوزاندن سرمایه او

کیفر عمومی رباخوار در دنیا

نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود:

هرگاه خداوند اراده کند که جامعه‌ای را هلاک کند، ربا را در میان آنان ظاهر می‌سازد و آنان را به رباخواری دچار می‌کند.^{۱۶}

وقوع زلزله و خورشیدگرفتگی : پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود :

هنگامی که امت من رباخوار شوند، زلزله، آفتاب گرفتگی و... پیش می‌آید
کیفر رباخوار در آخرت

پیامبر صلی الله علیه وآلہ می‌فرماید:

در شب معراج گروهی را دیدم که جنّه آنان به گونه‌ای وَرَم کرده بود که قدرت حرکت نداشتند. از جبریل راز آن را پرسیدم. پاسخ داد:

اینان رباخواراند و با آل فرعون محشور هستند و صبح و شام آتش بر آنان زبانه می‌کشد(هیثمی، ۱۴۰۱۴)

هیثمی در کتابش مجمع الزوائد از رسول خداصلی الله علیه وآلہ نقل می‌کند در شب معراج در آسمان هفتم گروهی را دیدم که شکم

آنان بسان خانه مارها بود و مارها از بیرون دیده می‌شدند. از جبریل پرسیدم اینان چه کسانی هستند. پاسخ داد اینان رباخوارانند^{۱۷}

ب - مجازات در قیامت

۱- رباخوار از اصحاب آتش است.

وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ^{۱۸}.

و کسانی که از این کار(رباخواری) دست نکشند آنان اهل جهنم‌اند و در آن تا ابد معذب خواهند بود.

۲- ربا نایبود کننده عمل انسان است.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود:

کسی که ربا بخورد، خدا شکم او را پر از آتش می‌کند و اگر از مال ربوی خیرات کند یا کارهای نیک انجام دهد، در درگاه الهی پذیرفته

نمی‌شود و تا قیراطی از مال به دست آمده از راه ربا نزد او باشد، مورد لعنت خدا و ملائکه است.^{۱۹}

ابن عباس درباره آیه "یمحق اللہ الربا و یربی الصدقات" می‌گفت: خداوند از رباخوار هیچ صدقه، جهاد، حج و صله رحمی را

نمی‌پذیرد.^{۲۰}

^{۱۴}- تفسیر کبیر، ج ۷، ص ۹۵ به بعد، ذیل آیه ۲۷۵ بقره.

^{۱۵}- قرطبی، الجامع فی احکام القرآن، ج ۴، صص ۱۳۰ و ۱۳۱.

^{۱۶}- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۳، باب ۱ از ابواب ربا، ح ۱۷.

^{۱۷}- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۲، ح ۱۵، باب اول از ابواب ربا.

^{۱۸}- بقره آیه ۲۷۸.

^{۱۹}- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۲، ح ۱۵، باب اول از ابواب ربا .

^{۲۰}- تفسیر کبیر، ج ۷، ص ۱۰۲ .

راهکارهای پیشگیری از ربا**۱- پخته شدن فتاوی فقهی:**

تحلیل معاملات جدید اقتصادی، کوششی است که از عالمان انتظار می‌رود لازم است عالمان دینی و متخصصان علوم انسانی برای روشن شدن ماهیت معاملات مشروط، خرید و فروش اسکناس، خسارت تاخیر تادیه، اوراق قرضه، بیمه‌های جدید عمر و پس انداز، سپرده گذاری‌ها، معاملات بورس نفتی و ... تلاش کنند.

۲- آسان سازی واژگان:

گاهی نه تنها مشتری بلکه کارگزاران بانک نیز از تحلیل حقوقی واژگان عاجزند. برای مثال در برخی از فرم‌های سپرده گذاری آمده است: «بانک ... به وکالت از طرف سپرده گذار با داشتن حق توکیل، وجه این سپرده را طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا به طور مشاع به کار گرفته و منافع حاصله را پس از کسر حق الوکاله طبق آیین نامه و مقررات مربوطه با داشتن حق صالحه منافع، بین بانک و سپرده گذاران به تناسب مبلغ و مدت به کار گرفته شده تادیه خواهد نمود.»

روشن است که فهمیدن همین یک بند، علاوه بر آشنایی با واژه‌های حقوقی «حق توکیل»، «حق الوکاله»، «حق صالحه» نیاز به آشنایی با قانون عملیات بانک داری بدون ربا و آیین نامه‌ها و مقررات مربوطه دارد. در نتیجه اغلب سپرده گذاران بدون توجه به متن قرارداد، آن را امضا می‌کنند و وجود خود را در اختیار بانک قرار می‌دهند. در حالی که علم مشتری به مفاد قرارداد لازم است تا بتواند آن را قصد کند.

۳- طراحی شاخص‌های کاربردی با کمک بانک مرکزی:

تبیین روشن تری از شروط تسهیلات: می‌دانیم سپرده گذاری به شرط اضافی ربای حرام است. مگر آن که منافع شرط برای عموم مردم باشد (نه منافع وام دهنده). برخی از شروط مثل: وام به شرط افتتاح حساب متقاضی و ضامن، اعطای تسهیلات به شرط سرمایه گذاری در مناطق محروم، اعطای وام به شرط سپرده گذاری، به شرط مبلغ مسدودی و غیره است. هدف موسسات مالی حداکثر کردن سود است و با استفاده از تبصره مذکور، شرط‌های زیادی وضع می‌کنند. لازم است اندیشمندان، شاخص‌هایی را طراحی کنند و با آن معیارها بتوانیم اظهار نظر دقیقی درباره شرط‌ها انجام دهیم و مشخص شود؛ شرط وضع شده منافع عموم مردم را در پی دارد یا منافع وام دهنده را تأمین می‌کند؟ در حال حاضر استدلال‌ها توصیفی است و مورد اختلاف سلیقه‌ها واقع می‌گردد. پس از طراحی شاخص‌ها می‌توان هر سال مسابقه‌هایی برای کاهش ضریب ربوی معاملات و قرض‌ها ترتیب داد.

۴- فرهنگ سازی با مشارکت هنرمندان:

برای فرهنگ سازی، دانش اولیه، هماهنگی‌های لازم و بسترسازی قبل از اجرا و سپس اجرای راهکارهای فرهنگی و در نهایت ارزیابی ثمربخشی و جمع‌بندی راهکارها و ارایه نتایج تحلیلی برای مجموعه‌های مرتبط مهم است. در این فرایند، توجه به اولویت‌های فرهنگ سازی مثل: جایگاه اعتقادات در آزمایش‌های زندگی، خطرات معاملات سوری و مصرف وام در غیر موردهش، آگاهی و شفافیت قراردادها، تشریح سبک زندگی با میانه روی، رسیدگی به محرومان و بیان آخرین داده‌های بانک داری بدون ربا و تاثیر ربا در اشتغال، درآمد، تورم و بیکاری مهم است.

۵- توجه خواص و فرهیختگان به دوری از ربا:

در بعضی جوامع، فرهیختگان عملاً به تبعیت از صاحبان رباخوار جامعه روی می‌آورند و الگوی جامعه همان صاحبان سرمایه می‌شوند. مردم نیز به تبعیت از خواص، حساسیت خود را در موازین شرعی از دست می‌دهند و فاصله شدید طبقاتی به موضوع دامن می‌زند. لازم است از حوادث تاریخی درس بگیریم. قرآن کریم می‌فرماید: «آیا مردم به سیاحت و بررسی نمی‌پردازند تا ملاحظه کنند که اقوام و ملت‌هایی پیش از آن‌ها وجود داشته‌اند ولی به واسطه رفتار ظالمانه نابود شدند. خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آن‌ها به خودشان ستم می‌کردند^{۲۱}.»

نتیجه گیری

با توجه به مطالب بیان شده می توان گفت که ربا اعم علاوه بر حرمت شرعی که دارد دارای نتایج ناگواری برای روابط اقتصادی جامعه اسلامی است و باعث ایجاد اخلاق در روابط مالی افراد یک جامعه سالم می گردد، بدین جهت ضروری است تا قانونگذار با این جرم مقابله نموده و از وقوع ، رواج و تکرار آن جلوگیری نماید. برمبنای همین رویکرد، مقتن در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی ربا را جرم دانسته و برای آن مجازات در نظر گرفته است و بیان داشته: مرتكبین اعم از ربا دهنده، ربا گیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می گردد.

منابع و مراجع

- ۱- ساکی، محمدرضا. حقوق کیفری اقتصادی، چاپ دوم، ۱۳۹۰، انتشارات جنگل، ص ۲۶۵.
- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۳- میثم موسایی، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی، تهران: مؤسسه تحقیقات پول و بانکی، ۱۳۷۶، ص ۴.
- ۴- ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی، همان، الجامع لاحکام القرآن: تفسیر القرطبی، ص ۳۴۸.
- ۵- سید محمد کاظم یزدی (۱۴۱۷)، العروة الوثقی، ج ۲ (ملحقات)، ص ۴، مساله ۳.
- ۶- شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الكلام، تحقیق علی آخوندی، ج ۲۳، ص ۳۳۴.
- ۷- محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۲، کتاب القرض، ص ۸۳.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فرهنگ عناصر شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.
- ۹- اردبیلی، محمدمعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، نشر میزان، چاپ هشتم، زمستان ۱۳۸۴.
- ۱۰- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۷.
- ۱۱- علیآبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات فردوسی، تهران ۱۳۷۳.
- ۱۲- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، انتشارات میزان، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۰.
- ۱۳- یوسفی، احمد علی؛ ربا و تورم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، بی جا، ۱۳۸۱.
- ۱۴- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی ، جلد سوم، انتشارات ژوبین، با همکاری مجد، چاپ پنجم، تهران ۱۳۸۵.
- ۱۵- کتاب ربا پیشینه تاریخی ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا- بوستان کتاب ، قم، بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۸۱.
- ۱۶- ابوبکر هیثمی، بُغْيَة الرَّأْد فِي تَحْقِيقِ مَعْجمِ الزَّوَافِ، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ . ق، ج ۴، ص ۲۱۱، ح ۶۵۷۷.